

مقاله پژوهشی

بررسی رابطه بین میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و تمایل آن‌ها به مشارکت

اجتماعی: مورد مطالعه شهروندان بالای ۲۱ سال شهر کرمانشاه

محسن صفاریان^۱؛ علی مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

چکیده

این مطالعه به بررسی رابطه بین میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و تمایل آن‌ها به مشارکت اجتماعی با تأکید بر شهروندان بالای ۲۱ سال شهر کرمانشاه می‌پردازد. روش مورد استفاده در این پژوهش از لحاظ رویکرد کمی است و از نظر هدف کاربردی است. به لحاظ گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه شهروندان بالای ۲۱ سال شهر کرمانشاه هستند که با توجه به گستردگی جامعه آماری؛ تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power انتخاب شدند و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات از پاسخگویان، پرسشنامه محقق ساخته بود که برای روایی آن از روایی صوری و روایی سازه و برای پایایی آن از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج همبستگی نشان می‌دهد بین تمایل به مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی در بعد حقوق مدنی، همبستگی معنی‌دار مستقیم اما ضعیف ($r=0/202$)، بعد حقوق سیاسی، همبستگی معنی‌دار مستقیم اما ضعیف ($r=0/162$)، بعد حقوق اقتصادی اجتماعی ($r=0/04$) عدم همبستگی و بعد حقوق فرهنگی گروهی برابر ($r=0/50$) همبستگی معنی‌دار متوسط و مستقیم وجود دارد. در نهایت همبستگی بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و میزان مشارکت اجتماعی برابر ($r=0/31$) بوده است که این همبستگی معنی‌دار مستقیم اما ضعیف است. می‌توان نتیجه گرفت که مقدار مذکور با صفر دارای تفاوت معنادار بوده و نتایج به دست آمده از نمونه؛ به دلیل این که روش نمونه‌گیری احتمالی می‌باشد، قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. نتایج حاصل از معادله رگرسیونی نشان می‌دهد متغیر آگاهی مردم از حقوق شهروندی میزان ۰/۳۱ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

^۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤول). mfsafarian@gmail.com

^۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آبادغرب، ایران.

moradi.pop@gmail.com

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی؛ آگاهی مردم از حقوق شهروندی؛ سنت‌های مدنی؛ الگوهای فرهنگی.

مقدمه و طرح مسأله

تحقق پیشرفت و توسعه کشورها مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است؛ به طوری‌که نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته‌اند و فرآیند توسعه پایدار و با ثبات را زمانی موفقیت آمیز می‌دانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد (مقنی‌زاده، ۱۳۹۵). پدیده مشارکت به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سر زده است (هوینگانوتری^۳، ۱۹۸۲: ۹۸). مشارکت مردم به معنای همکاری داوطلبانه و ارادی آنها در فرآیند توسعه است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۷: ۲). مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بخصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی، جلب نماید، در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار می‌گردد (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴). امروزه مشارکت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه اجتماعی جوامع به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. از نظر اوکلی و مارسدن^۴ مشارکت اجتماعی شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی (مشارکت پایین)؛ برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندان و دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری (مشارکت متوسط)، اجرا و سهم شدن عامه مردم در منافع (مشارکت بالا) است (رضادوست، ۱۳۸۸: ۱۰۱). مک کله لند^۵ معتقد است، برای سوق دادن رفتار افراد به جهتی خاص باید انگیزه نیاز به پیشرفت را در افراد تقویت کرد (گنجی، ۱۳۸۲: ۶۱). طبق نظر دورکیم^۶، فقدان مشارکت و عدم جذب و یکپارچه شدن افراد با جامعه، به افزایش میزان انحرافات اجتماعی می‌انجامد؛ لذا راه حل برای کاهش انحرافات اجتماعی، توسعه سازمان‌هایی است که به احیای ادغام و مشارکت افراد کمک می‌کند (ادیبی سده و هارطونیان، ۱۳۸۶: ۴۳). از نظر پارسونز^۷، مشارکت اجتماعی، فرایندی آگاهانه، خلاقانه و همراه با اهداف خاصی است که در چهارچوب

^۳ . Huynhcnotri

^۴ . Oakley and Marsden

^۵ . McClelland

^۶ . Durkheim

^۷ . Parsons

یک نظام اجتماعی رخ می‌دهد (رضادوست، ۱۳۸۸: ۱۰۱). گائوتری^۸، مشارکت را فرایندی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی می‌داند که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳). گافمن^۹ مشارکت فرد در نظام کنش متقابل را عاملی برای به وجود آمدن یک احساس مسؤولیت (تعهد) برای تداوم مشارکت فرد در نظام کنش متقابل عنوان می‌کند (بیکر^{۱۰}، ۱۹۶۰: ۳۵).

یکی از عوامل پویایی اجتماعی و برانگیزاننده مشارکت اجتماعی در جامعه، آگاهی مردم نسبت به حقوق و وظایف مدنی، سیاسی و اجتماعی یا همان آگاهی مردم از حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی^{۱۱} مبتنی بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و به عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است (رضاعلی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسؤولیت‌های افراد اجتماع در قبال یکدیگر، دولت، شهر و اجتماع می‌باشد (میرعبدالعظیم زاده و همکاران، ۱۳۹۵). شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن فراگیر، مجموعه‌ای به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و موثر در مشارکت همگانی فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است (رضاعلی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). آگاهی مردم از حقوق شهروندی شامل مؤلفه‌هایی همچون آزادی شهروندان در بیان عقیده، تصمیم‌گیری در سرنوشت فردی و اجتماعی، تابعیت، حقوق اقتصادی، مشارکت اجتماعی-سیاسی، حق داشتن سلامت، امنیت، مسکن و ... می‌باشد (محمدزاده، ۱۳۹۶).

بر این اساس می‌توان گفت لازمه مشارکت اجتماعی؛ آگاهی مردم از حقوق شهروندی می‌باشد. در یک جامعه، قشرهایی که به هر دلیلی نتوانند نسبت به حق و حقوق خود شناخت کافی پیدا کنند؛ به طبع مسائل سیاسی- اجتماعی در زندگی آنها کم‌رنگ و آگاهی اجتماعی هنوز در آن اقبال شکل نگرفته است، دغدغه اصلی این افراد، سپری کردن زندگی روزمره براساس تجربیات نامنظم می‌باشد. این افراد نسبت به مسائل سیاسی اجتماعی و اقتصادی بی‌تفاوت می‌باشند. بنابراین تمایل افراد به مشارکت اجتماعی، به عنوان یکی از نیازهای افراد، می‌تواند موتور محرکه- ای برای توسعه اجتماعی و ارائه نوعی فرهنگ اجتماعی- مشارکتی با عقلانیت ارزشی در جامعه

^۸ . Gotri

^۹ . Goffman

^{۱۰} . Becker

^{۱۱} . Citizenship

باشد و آگاهی شهروندان از حقوق خود در این راستا، به عنوان پیش‌فرض و پیش‌نیاز مشارکت اجتماعی، می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

استان کرمانشاه با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار با ساختار موزاییک‌گونه می‌باشد، گوناگونی قومی و زبانی و فرهنگی، گوناگونی مذهب و دین، در این شهر، کرد، لک، لر، فارس و ترک با مذاهب شیعه، سنی و اهل حق زندگی می‌کنند و همچنین تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی سبب شده است که اقوام و مذاهب برای سهم شدن در ساختار قدرت و سیاست، از انواع سرمایه در اختیار خود استفاده کنند که گاه به مشارکت سیاسی به شکل قومی و گاه مذهبی روی آورند و گاه به انتخاب شایسته‌سالارانه تن در دهند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۶۱). نتایج مطالعات نشان می‌دهد که وضعیت مشارکت و سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه، در حد متوسط (جهانی دولت‌آبادی و محمدی، ۱۴۰۱: ۹۲) و حتی در مقایسه با سایر استان‌های کشور در رده‌های پایین قرار دارد (باستانی و رزمی، ۱۳۹۳: ۷۱).

برخی مطالعات نشان می‌دهد که میزان حقوق شهروندی و میزان مشارکت سیاسی شهر کرمانشاه، پایین‌تر از متوسط و میانگین مورد انتظار است (محمدی‌فر و مسعودنیا، ۱۳۹۳: ۲۴۰). این شاخص‌ها در ابعاد مشارکت در سطح شهر کرمانشاه مانند مشارکت همیارانه، تمایل به مشارکت و مشارکت سازمان‌یافته در سطح پایینی قرار دارد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۱). برخی مطالعات، شهرستان‌های قصرشیرین و پاوه را جزو مناطق توسعه‌یافته استان، اسلام‌آباد غرب، هرسین، ثلاث باباجانی، روانسر و سرپل‌ذهاب را در حال توسعه و شهرستان‌های سنقر، گیلان‌غرب، صحنه و کنگاور را نسبتاً توسعه‌یافته و در نهایت جوانرود و کرمانشاه را جزء محروم‌ترین شهرستان‌ها در نظر می‌گیرند (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳). به‌طور کلی این استان با توجه به سندهای برنامه چهارم و پنجم توسعه، در زمره استان‌های کمتر توسعه‌یافته قرار دارد (قشقایی، ۱۳۹۹: ۸۲)، چرا که بدون توجه به موارد اقلیمی، محیطی و متأثر از خرده‌فرهنگ‌های موجود، سند تنظیم شده است و وضعیتی که توصیف‌گر شرایط موجود در استان کرمانشاه است، گویای ضعف‌های فراوان و مشهود در حوزه توسعه اجتماعی می‌باشد.

بنابراین با توجه به موارد مطرح شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و تمایل آن‌ها به مشارکت اجتماعی با تأکید بر شهر کرمانشاه می‌باشد و هدف کلی بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و تمایل آن‌ها به مشارکت اجتماعی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه می‌باشد و اهداف فرعی عبارتند از:

۱- تعیین میزان تمایل مردم به مشارکت اجتماعی در شهر کرمانشاه

۲- تعیین میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی در شهر کرمانشاه

۳- تعیین رابطه بین میزان آگاهی شهروندان کرمانشاهی از حقوق شهروندی و میزان تمایل آنان به مشارکت اجتماعی.

تعریف مفاهیم

مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته): شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروه‌ها و افراد در فرآیندها و امور اجتماعی جامعه، به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره‌برداری از نتایج آنها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه (انصاری، ۱۳۷۸: ۶۲).

آگاهی مردم از حقوق شهروندی (متغیر مستقل): حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از وظایف و حقوقی است که در یک ارتباط متقابل شکل می‌گیرد. افراد، زمانی به وظایف خود به خوبی عمل می‌کنند که احساس کنند حقوق‌شان رعایت شده است (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۲۰). منظور از میزان آگاهی از حقوق شهروندی در این مطالعه این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی می‌دانند و این دانسته‌ها چقدر با واقعیت تطابق دارد.

پیشینه پژوهش

احمدی سفیدان و نصیرزاده در سال ۱۴۰۰، تحقیقی با عنوان «بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری دوره اول و دوم» انجام دادند که یافته‌ها و نتایج تحقیق، بیانگر آن است که از بین عوامل اثرگذار بررسی شده در مشارکت سیاسی، نابسامانی‌های اوایل انقلاب، دیدگاه‌های بنی‌صدر در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و موضع‌گیری در مقابل آمریکا و خوش اقبالی وی در حذف خودبه‌خودی رقبای اصلی، اثرگذاری بیشتر داشته است.

دسترنج و ملاحی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس» به این نتایج دست یافتند که میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد.

قانع و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی مؤلفه‌های گسترش حقوق شهروندی از نگاه دانشجویان دانشکده سما تهران» به این نتیجه رسیدند که در بعد "رفتار

شهروندی"، آشنایی مردم با مبانی قانون اساسی ایران، آموزش شهروندان در زمینه احترام به طبیعت و محیط زندگی و در بعد "حقوق اجتماعی" احترام به ادیان و مذاهب مختلف، آزادی در انتخاب همسر، انتخاب شغل و مسکن آزادی، امنیت اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه حقوق شهروندی می‌باشند.

حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «حقوق شهروندی و ارتقای حکمرانی مطلوب شهری» به این نتیجه رسیده است که مدیریت شهری در ایران به دلیل تمرکزگرایی، مدیریت بخشی و برنامه‌های شهری برون‌گرا، از روش‌های مدیریتی مشارکتی و حکمرانی خوب شهری فاصله گرفته است و جای خالی شهروندان فعال در اداره شهرهای ایران احساس می‌شود.

نیک و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رفتارهای انتخاباتی دوره دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری استان البرز» به بررسی رفتارهای انتخاباتی دوره دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری استان البرز پرداختند؛ نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که طیف سیاسی اصولگرایان با داشتن پایگاه قدیمی‌تر، در پایین‌ترین وضعیت خود و حدود ۳۰ درصد آراء را در استان البرز داراست.

سبکتکین‌ریزی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «رضایت‌مندی و مشارکت سیاسی-اجتماعی، مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج» نشان می‌دهند میان میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی با رضایت‌مندی سیاسی و رضایت‌مندی اجتماعی، همبستگی معنادار وجود دارد. اشتریان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)" به این نتیجه رسیدند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

نگین‌تاجی و کشاورز (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهرستان نور آباد ممسنی» به این نتایج دست یافتند که بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

تقوایی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز» مهم‌ترین عوامل مؤثر بر منطقه ۴ شهر تبریز را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان را اصلی‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت و تقویت فرهنگ شهروندی، دانسته‌اند و به این نتایج دست یافتند: ۱- ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده است، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت در مدیریت شهری تأثیرگذار باشند. ۲- هر چه میزان رضایت‌مندی افراد

از خدمات‌رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، به همان میزان، تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد ۳- هرچه احساس مالکیت؛ یعنی مدت‌زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می‌کند؛ ۴- وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر مشارکت، تعیین‌کننده است، که با بررسی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مشخص شد با بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی میزان مشارکت هم بالا می‌رود

خوش فر (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان "بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی" به این نتیجه می‌رسد که بین سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و موقعیت شغلی شهروندان و مشارکت آنها در ایجاد امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

هاشمی و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران" به این نتایج رسیدند که رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی، اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی، رابطه و همبستگی معناداری وجود دارد.

وایو و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «رسانه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان» به این نتیجه رسیدند که رسانه‌های اجتماعی، با مداخله کامل بیان سیاسی پیشرفته آنلاین، مشارکت سیاسی را به‌طور غیر مستقیم پیش‌بینی می‌کنند.

چن گان و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «به کارگیری رسانه اجتماعی، علاقه سیاسی و مشارکت در بین دانشجویان دانشگاه در شهر چین» نشان داده‌اند که رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری علاقه سیاسی دانشجویان تأثیرگذار بوده است و از طرفی هم بر مشارکت مدنی و سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد.

گراسو^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «محرومیت نسبی و نابرابری در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی» نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی منفی تمایل به مشارکت غیرمتعارف را ترویج می‌دهد.

هوخه و کرن^{۱۵} (۲۰۱۷) در فصلی از کتاب خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه حمایت سیاسی در اروپا» بیان می‌کنند که کاهش مشروعیت، ناشی از کاهش سرمایه اجتماعی است. این

¹² . Wayo

¹³ . Chen Gan

¹⁴ - Grasso

ایده که انجمن‌های داوطلبانه، نقش مهمی در ایجاد همبستگی اجتماعی و حمایت سیاسی ایفا می‌کنند، بینش سنتی در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی است.

اکیک و کودمیر^{۱۶} (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی، رضایت از دولت و دموکراسی و خوشبختی در ترکیه: مقایسه سنجش در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸» نشان دادند که افزایش قابل توجهی در مؤلفه‌هایی مانند شادی، رضایت از زندگی و بسیاری از متغیرهای سرمایه اجتماعی بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸ به وجود آمده است.

یامامورا^{۱۷} (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش بازدارنده‌های رسمی (حضور پلیس) و غیررسمی (سرمایه اجتماعی) در کاهش جرم در ژاپن» به این نتیجه رسید که پلیس و سرمایه اجتماعی، میزان جرم را کاهش می‌دهد.

گایزر و ریک^{۱۸} (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی جوانان: جوانان آلمانی در متن جامعه اروپایی» به این نتیجه رسیدند که میان جوانان آلمانی تفاوت‌هایی از حیث مشارکت سیاسی وجود دارد.

گات و همکاران^{۱۹} (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه بین مذهب و مشارکت سیاسی» نشان دادند که میزان مشارکت سیاسی در میان گروه‌های مذهبی تفاوت معناداری دارد. از نتایج مهم این پژوهش این است که میزان مشارکت گروه‌ها به عوامل دیگری همچون الگوهای خانوادگی، میزان پایبندی مذهبی، منافع سیاسی گروه‌ها و دانش و آگاهی سیاسی افراد وابسته است.

مطالعات انجام شده در راستای استخراج فرضیه‌ها و به کارگیری مفاهیم اساسی و همچنین سنجش متغیرها محقق را یاری رسانده است و هر کدام تلاشی خردمندانه در شناخت مسیر انجام پژوهش بودند، اما با این حال اکثر مطالعات بر روی مشارکت سیاسی و انتخابات متمرکز بودند در حالی که این مطالعه با تمرکز بر حقوق شهروندی، سعی در شناخت ابعاد حقوق شهروندی و ارتباط آن با مشارکت سیاسی دارد.

چارچوب نظری

دیدگاه‌های مرتبط با حقوق شهروندی

از آنجا که موضوع مورد تحقیق دامنه بسیار وسیعی دارد و نظریه‌های موجود هرکدام به صورت مجزا توانائی تبیین آن را ندارند، لاجرم ترکیبی از نظریات و دیدگاه‌های طرح شده به

^{۱۵} - Hooghe & Kern

^{۱۶} - Ekici & Koydemir

^{۱۷} . Yamamura

^{۱۸} . Gaiser & Rijke

^{۱۹} Guth, et al

عنوان چهارچوب نظری تحقیق برای بررسی موضوع استفاده شده است. به نظر می‌رسد که نظریات مطرح شده هر کدام بعد و ابعادی از موضوع تحقیق را پوشش می‌دهد و امکان بررسی وجهی از آن را با پشتوانه نظری فراهم نموده است. انتخاب چارچوب نظری علاوه بر آنکه اجازه می‌دهد پرسش‌های آغازی را از نو فرمول‌بندی یا به صورت دقیق‌تری بیان کنیم، به عنوان شالوده‌ای برای ارائه فرضیه‌هایی به کار می‌رود که به اعتبار آنها محقق پاسخ منسجمی به پرسش‌های آغازی خواهد داد.

از دید مارشال^{۲۰} در جوامع نوین، شهروندی سه بعد مشخص مدنی، سیاسی و اجتماعی دارد. حقوق مدنی، نخستین حقوقی است که در جوامع نوین برقرار شده است. این حقوق چیزهایی مانند آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه و دسترسی برابر به نظام قانونی را دربر می‌گیرد. حقوق سیاسی پس از حقوق مدنی پدید آمد و شامل حق رأی، حق نامزدی مقامات انتخابی، حق شرکت در احزاب سیاسی و مشارکت به شیوه‌های گوناگون در فرآیند قانون‌گذاری است. و بالاخره بعد سوم شهروندی یعنی بعد اجتماعی آن با ظهور «دولت جدید رفاه» پدیدار شده است (کیویستو^{۲۱}، ۱۳۸۶: ۹۹). مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه مارشال به شرح زیر است: ۱- بعد حقوق مدنی (آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه و دسترسی برابر به نظام قانونی) ۲- بعد حقوق اجتماعی (امنیت اجتماعی، مزایای بیکاری، مزایای بهداشتی، مزایای آموزشی) ۳- بعد حقوق سیاسی (حق رأی، نامزدی مقامات انتخاباتی، حق شرکت در احزاب سیاسی و مشارکت به شیوه‌های گوناگون).

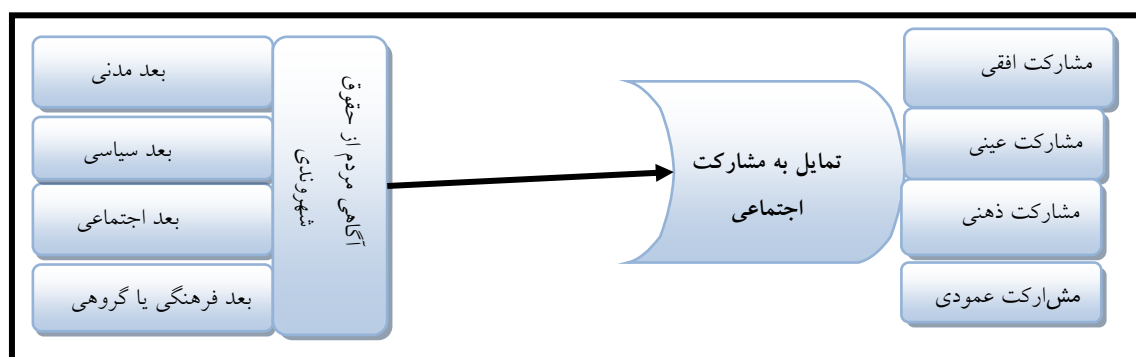
ترنر^{۲۲} شهروندی را نیازمند نهادینه شدن حقوق اجتماعی و سیاسی می‌داند و معتقد است که به عنوان یک مسأله مجدداً ظهور کرده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۶). از نظر ترنر، مؤلفه‌های حقوق شهروندی عبارتند از: ۱- قلمرو اجتماعی شهروندی: شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری در حوزه عمومی بوده است یا حوزه خصوصی؟ ۲- مشکل اجتماعی شهروندی: این که شهروندی از بالا به پایین یعنی از دولت به سمت جامعه شکل گرفته است یا از پایین به بالا یعنی از سمت مردم به سمت دولت؟ ۳- گونه اجتماعی شهروندی: مشارکت شهروندی حالت فعال دارد یا منفعل؟ ۴- محتوای اجتماعی شهروندی: این که شهروندی به طور عمده و در عامل ناظر به ایفای وظایف، تکالیف و مسؤولیت‌ها و تعهدات شهروندی بوده است یا معطوف به حقوق و امتیازات شهروندی؟

²⁰ . Marshal

²¹ . Kivisto

²² . Turner

آلن سیرز و وان هبرت^{۲۳} در تحلیل ابعاد شهروندی دیدگاه دیگری را بیان می‌کنند که عبارتند از: الف- بعد مدنی شهروندی: ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند و حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذینفع را مشخص می‌کند. عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در برابر قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می‌شود. ب- بعد سیاسی شهروندی: مسائل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است و به حقوق و وظایفی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می‌کند. ج- بعد اجتماعی-اقتصادی شهروندی: به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. د- بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی: به شیوه‌ای از فرایند گسترش تنوع فرهنگی اشاره دارد که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییر پذیری همراه است.



نمودار شماره یک- نمودار مدل تحلیل نظری مشارکت اجتماعی

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه شماره ۱- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بالاتر از حد متوسط (مورد انتظار) است.

فرضیه شماره ۲- بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و تمایل به مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معنادار وجود دارد.

²³ . Alan Sears and Van Hebert

روش پژوهش

این مطالعه با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و تکنیک پیمایش انجام پذیرفت. داده‌های مورد نیاز، نظرات شخصی شهروندان در استان کرمانشان می‌باشد که بدون دخل و تصرف به نرم-افزار منتقل شده است و مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه افراد بالای ۲۱ سال شهر کرمانشاه می‌باشند. بر اساس آمار استانداری کرمانشاه، تعداد این افراد ۹۴۶۶۵۱ نفر می‌باشد. از این تعداد، ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که برای بالا رفتن پایایی کار، ۴۰۰ نفر مبنای تحلیل‌ها قرار گرفت. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد است. با توجه به آمار زیاد جامعه و عدم امکان گردآوری اطلاعات از همه افراد، اقدام به نمونه‌گیری شد. نمونه-گیری با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power به دست آمد. در نهایت حجم نمونه، بر اساس پارامتر رگرسیون با مقدار ۳۸۰ که بیشترین برآورد را از حجم نمونه به دست داد، انتخاب شد.

بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ابتدا کلان شهر کرمانشاه به پنج جهت جغرافیایی شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق تقسیم‌بندی شد. سپس از بین نواحی مختلف، پنج منطق، ۱، ۷، ۸، ۳، ۹ انتخاب گردید. سپس فهرست محلات موجود در این مناطق به دست آمد. در مرحله بعدی در هر منطقه‌ای، دو محله (۱۰ محله) انتخاب شد. برای دسترسی به جمعیت نمونه و تکمیل پرسشنامه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. در اماکن عمومی، بازار، خیابان‌ها و میدان‌های موجود، محله‌های انتخابی به صورت تصادفی (۱۰ محله) با افراد مصاحبه شد. معیارهای ورود به مطالعه، تصادفی بودن نمونه، افراد بالای ۱۵ سال، افراد از همه اقشار جامعه باشند، تمایل افراد به شرکت در مطالعه، جزء شهروندان کرمانشاه باشند و در یکی از مناطق شهر کرمانشاه سکونت داشته باشند، می‌باشد. همچنین تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها به عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد.

گردآوری اطلاعات این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به این صورت انجام گرفت که پنج نفر از پرسشگران آموزش‌دیده، در جلسه توجیهی شرکت نمودند و سپس دستورالعمل و راهنمای نحوه تکمیل پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت و پرسشگران بر اساس دستورالعمل و به صورت تصادفی به پاسخگویان مراجعه کردند و به روش مصاحبه حضوری، پاسخ‌ها را دریافت کردند و پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند. در زمان تکمیل پرسشنامه‌ها از همه پاسخگویان خواسته شد که با صداقت کامل به سؤالات پاسخ دهند و به آن‌ها اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات خواسته شده در پرسشنامه، به طور محرمانه استفاده خواهد شد.

نحوه‌ی سنجش مفاهیم و متغیرها

۱- مشارکت اجتماعی: در این پژوهش، تمایل به مشارکت اجتماعی در دو سطح مشارکت افقی و مشارکت عمودی سنجش گردید. در این مطالعه، مشارکت در ۵۲ گویه و دو بعد و ۸ مؤلفه بیان شده است. مشارکت در بعد افقی با ۵ بعد (مذهبی ۵ گویه، خیریه‌ای ۴ گویه، همیارانه ۱۰ گویه، تفریح و سرگرمی ۸ گویه و محله‌ای ۵ گویه) و بعد عمودی (سنت‌های مدنی ۱۲ گویه، الگوهای فرهنگی ۴ گویه و الگوهای جدید ۴ گویه) سنجش شد.

میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی: در این مطالعه، برای سنجش آگاهی مردم از حقوق شهروندی در ۴ بعد: حقوق مدنی با ۱۰ گویه، حقوق سیاسی با ۴ گویه، حقوق اقتصادی-اجتماعی با ۱۱ گویه و حقوق فرهنگی با ۸ گویه در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، سنجش گردید. برای ارزیابی پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقادیر حاصل نشان می‌دهد که گویه‌هایی که برای سنجش مفاهیم و متغیرها استفاده شده‌اند، از هماهنگی درونی برخوردار هستند.

جدول شماره‌ یک- میزان آلفای کرونباخ (پایایی)

متغیرهای پژوهش			تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ	
نام متغیر	ابعاد	ابعاد		آلفای ابعاد	آلفای کل
مشارکت اجتماعی	مشارکت افقی	مشارکت مذهبی	۵	۰/۶۴۴	۰/۸۵۸
		مشارکت خیریه‌ای	۴	۰/۷۳۲	
		مشارکت همیارانه	۱۰	۰/۹۱۸	
		مشارکت تفریحی	۸	۰/۹۰۲	
		مشارکت محله‌ای	۵	۰/۸۳۸	
	مشارکت عمودی	مشارکت در سنت‌های مدنی	۱۲	۰/۸۴۳	
		مشارکت در الگوهای فرهنگی	۴	۰/۸۹۷	
		مشارکت در الگوهای جدید	۴	۰/۷۹۰	
میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی	میزان آگاهی از حقوق مدنی		۱۰	۰/۸۴۰	۰/۸۷۷
	میزان آگاهی از حقوق سیاسی		۴	۰/۷۰۲	
	میزان آگاهی از حقوق اقتصادی اجتماعی		۱۱	۰/۸۱۴	
	میزان آگاهی از حقوق فرهنگی گروهی		۸	۰/۷۶۳	

روایی سازه‌ای با استفاده از تحلیل عاملی

جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای طیف، ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق، از تحلیل عامل استفاده شده است. در این پژوهش، مشارکت به صورت کلی در دو بعد مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج شاخص کایس - مایر^{۲۴}، در این پژوهش برای مشارکت اجتماعی برابر با ۰/۹۰۷ بود. نتیجه آزمون بارتلت^{۲۵} (۷۸۳۹/۹۰۸) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی‌دار بود و نشان داد که بین گویه‌های داخل هر عامل، همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر، همبستگی مشاهده نمی‌شود. بنابراین بر اساس این آزمون نیز، مناسب بودن تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مورد تأیید قرار گرفت. جهت دسته‌بندی گزاره‌ها (سؤالات) در بین عامل‌ها، بر اساس بار عاملی آن‌ها به ماتریس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌ها بعد از چرخش استناد شد. در جدول شماره ۲، دسته‌بندی سؤالات با توجه به میزان همبستگی بین آن‌ها ارائه شده است. دسته‌بندی سؤالات در عامل‌ها بر اساس بار عاملی متغیرها پس از چرخش صورت گرفته است. به این معنی که بزرگ‌ترین بار عاملی هر متغیر در زیر عامل مربوط به آن متغیر گزارش شده است.

جدول شماره دو- ماتریس ضرایب همبستگی دوران‌یافته بین گزاره‌ها و عامل‌های مشارکت اجتماعی

سؤالات	مشارکت افقی	مشارکت عمودی	سؤالات	مشارکت افقی	مشارکت عمودی
۱	۰/۴۸۲		۲۷		۰/۳۸۲
۲	۰/۶۸۵		۲۸		۰/۵۶۴
۳	۰/۶۹۰		۲۹		۰/۶۴۷
۴	۰/۶۰۶		۳۰		۰/۵۷۳
۵	۰/۷۰۰		۳۱		۰/۵۹۵
۶	۰/۴۷۱		۳۲		۰/۵۳۲
۷	۰/۵۴۸		۳۳		۰/۶۴۸
۸	۰/۵۶۱		۳۴		۰/۵۶۷
۹	۰/۴۷۹		۳۵		۰/۶۶۵
۱۰	۰/۶۸۰		۳۶		۰/۶۴۲
۱۱	۰/۵۷۱		۳۷		۰/۶۹۹
۱۲	۰/۶۵۱		۳۸		۰/۶۹۲
۱۳	۰/۶۰۶		۳۹		۰/۶۹۷
۱۴	۰/۵۰۰		۴۰		۰/۶۲۹
۱۵	۰/۶۱۳		۴۱		۰/۶۸۷

^{۲۴} . Kaiser-Mayer-Olkin

^{۲۵} . Bartlett

۰/۲۶۰		۴۲		۰/۶۰۲	۱۶
۰/۶۵۳		۴۳		۰/۵۳۴	۱۷
۰/۷۵۳		۴۴		۰/۷۰۸	۱۸
۰/۸۵۳		۴۵		۰/۶۷۹	۱۹
۰/۷۶۳		۴۶		۰/۷۲۴	۲۰
۰/۷۶۴		۴۷		۰/۷۰۰	۲۱
۰/۹۶۴		۴۸		۰/۶۳۳	۲۲
۰/۶۴۹		۴۹		۰/۵۹۶	۲۳
۰/۷۶۶		۵۰		۰/۵۶۸	۲۴
۰/۸۸۴		۵۱		۰/۷۰۶	۲۵
۰/۷۰۵		۵۲		۰/۶۴۶	۲۶

روایی سازه برای میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی

متغیر میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی در این مطالعه، با استفاده از ۳۳ گویه در قالب چهار شاخص حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی اقتصادی و حقوق فرهنگی گروهی مورد سنجش قرار گرفته است. آزمون کایزر، مایر و اولکین KMO در این ماتریس بیش از ۰/۷۰ یعنی ۰/۸۵۸ می‌باشد، آزمون کرویت بارتل در سطح حداقل ۹۵ درصد، اطمینان این معنی‌داری را نشان می‌دهد. برای اینکه بدانیم به‌طور عمده، چه گویه‌ای به چه عاملی اختصاص دارد، از "دوران عامل"^{۲۶} استفاده می‌شود، از پرکاربردترین روش‌های دوران عامل "دوران واریماکس"^{۲۷} است. این روش، تعلق هر گویه به یک عامل را برای ما مشخص می‌کند. در این روش، ضرایب کم و زیاد ماتریس دوران یافته، تعلق متغیرها به عامل‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. در جدول شماره ۵، دسته‌بندی سؤالات با توجه به میزان همبستگی بین آن‌ها ارائه شده است. دسته‌بندی سؤالات در عامل‌ها، بر اساس بار عاملی متغیرها پس از چرخش صورت گرفته است.

جدول شماره ۵- ماتریس ضرایب همبستگی دوران یافته بین عامل‌های میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی

سؤال	عامل اول حقوق مدنی	عامل دوم حقوق سیاسی	عامل سوم اجتماعی اقتصادی	عامل چهارم فرهنگی گروهی
۱	۰/۳۲۴			
۲	۰/۳۶۸			
۳	۰/۳۲۷			
۴	۰/۳۳۵			
۵	۰/۱۹۷			

^{۲۶} . Factor Rotation

^{۲۷} . Varimax Rotation

			۰/۲۲۸	۶
			۰/۶۵۴	۷
			۰/۸۷۶	۸
			۰/۸۷۳	۹
			۰/۸۹۵	۱۰
		۰/۴۵۹		۱۱
		۰/۸۷۶		۱۲
		۰/۸۸۷		۱۳
		۰/۹۶۴		۱۴
	۰/۸۷۱			۱۵
	۰/۸۹۴			۱۶
	۰/۶۹۹			۱۷
	۰/۸۸۸			۱۸
	۰/۷۲۲			۱۹
	۰/۹۰۱			۲۰
	۰/۷۴۳			۲۱
	۰/۹۸۶			۲۲
	۰/۹۹۱			۲۳
	۰/۸۵۲			۲۴
	۰/۷۰۱			۲۵
۰/۸۶۵				۲۶
۰/۸۰۶				۲۷
۰/۶۶۷				۲۸
۰/۸۳۳				۲۹
۰/۶۲۱				۳۰
۰/۵۶۹				۳۱
۰/۷۴۱				۳۲
۰/۸۴۲				۳۳

داده‌های این پژوهش، حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۴۰۰ نفر از شهروندان بالای ۲۱ سال شهر کرمانشاه تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها استخراج و آنگاه به کامپیوتر انتقال یافتند و سپس با استفاده از بسته نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی

نتایج نشان می‌دهد که تعداد ۲۰۷ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۱/۸۰ درصد) مرد و ۱۹۲ نفر از پاسخگویان (معادل ۴۸/۰۰ درصد) آن‌ها زن بودند. همچنین تعداد ۱۵۵ نفر از پاسخگویان (معادل ۳۸/۸ درصد) مجرد و ۲۴۲ نفر از پاسخگویان (معادل ۶۰/۶۰ درصد) آن‌ها متأهل بودند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از کل جمعیت مورد مطالعه، تعداد ۱۵۳ نفر از پاسخگویان (معادل ۳۸/۳ درصد) در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، ۱۳۷ نفر از پاسخگویان (معادل ۳۴/۳ درصد) در گروه سنی ۳۱-۴۰ سال، ۸۴ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۱/۰ درصد) در گروه سنی ۴۱-۵۰ سال و ۲۶ نفر (معادل ۶/۵ درصد) از پاسخگویان در دامنه‌ی سنی ۵۱ سال به بالا قرار داشتند. از کل جمعیت مورد مطالعه، تعداد ۲۰۰ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۰/۰۰ درصد) در گروه با درآمد بالا، ۹۵ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۳/۸ درصد) در گروه با درآمد متوسط و ۱۰۱ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۵/۳ درصد) در گروه با درآمد پایین قرار داشتند. نتایج نشان می‌دهد تعداد ۲۵۷ نفر از پاسخگویان (معادل ۶۴/۳ درصد)، تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، تعداد ۷۱ نفر از پاسخگویان (معادل ۱۷/۸ درصد) دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی و ۶۴ نفر از پاسخگویان (معادل ۱۶/۰ درصد) دارای تحصیلات با مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بودند. تعداد ۲۰۰ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۰/۰ درصد) دارای مشاغل سطح بالا، تعداد ۹۵ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۳/۸۰ درصد) دارای مشاغل در رتبه‌ی میانی و ۱۰۱ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۵/۳ درصد) دارای مشاغل پایین بودند. نتایج نشان می‌دهد تعداد ۲۴۵ نفر از پاسخگویان (معادل ۶۱/۳ درصد) در مناطق پایین شهر کرمانشاه، تعداد ۹۳ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۳/۳ درصد) در مناطق متوسط شهر کرمانشاه و ۵۸ نفر از پاسخگویان (معادل ۱۴/۵ درصد) در مناطق بالای شهر کرمانشاه سکونت داشتند. نتایج نشان می‌دهد تعداد ۳۲۴ نفر از پاسخگویان (معادل ۸۱/۶ درصد) در طبقه‌ی پایین، تعداد ۴۶ نفر از پاسخگویان (معادل ۱۱/۶ درصد) در طبقه‌ی میانی و ۲۷ نفر از پاسخگویان (معادل ۶/۸ درصد) در طبقه‌ی بالا قرار داشتند. نتایج حاصل نشان می‌دهد تعداد ۲۱۶ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۴/۰۰ درصد) در طبقه‌ی پایین، تعداد ۹۰ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۲/۵ درصد) در طبقه‌ی میانی و ۸۵ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۱/۳ درصد) در طبقه‌ی بالا قرار داشتند.

جدول شماره‌ی ۴ توزیع فراوانی متغیر میزان مشارکت و ابعاد آن را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین مشارکت اجتماعی در بعد افقی از دیدگاه پاسخگویان و در همه‌ی مؤلفه‌های غیر از مشارکت محله‌ای پایین‌تر از میانگین مورد انتظار جامعه است. به این معنا که میانگین مورد مشارکت اجتماعی در بعد افقی از نظر پاسخگویان برابر ۸۸/۵۵ است که در حد متوسط جامعه، این مقدار برابر ۹۶ به دست آمده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد در دو بعد الگوهای فرهنگی و الگوی جدید، میانگین‌های به دست آمده، بزرگ‌تر از میانگین مورد انتظار

است. در نهایت این که میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان برابر ۱۴۹/۷۷ است که این مقدار در مقایسه با میانگین مورد انتظار یعنی مقدار ۱۵۶ پایین تر است.

جدول شماره چهار- توزیع فراوانی متغیر میزان تمایل به مشارکت اجتماعی و ابعاد آن

مفهوم	متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین		انحراف معیار	آزمون T	معناداری	تفاوت میانگین
			تجربی	نظری				
مشارکت اجتماعی	مشارکت افقی	مذهبی	۱۴/۰۰	۱۵	۴/۷۷	-۴/۰۷	۰/۰۰۰	-۰/۹۹
		خبریه‌ای	۱۱/۲۹	۱۲	۳/۴۶	-۳/۹۸	۰/۰۰۰	-۰/۷۰۴
		همیارانه	۲۹/۲۵	۳۰	۴۷/۹	-۱/۵۳	-۰/۱۲	-۰/۷۵
		تفریح	۲۲/۰۷	۲۴	۸/۰۴	-۴/۵۲	۰/۰۰۰	-۱/۹۲
		محل‌های	۱۵/۳۶	۱۵	۴/۴۶	۱/۵۰	۰/۱۳	۰/۳۴
		کل	۸۸/۵۵	۹۶	۲۴/۱۶	-۵/۳۴	۰/۰۰۰	-۷/۴۴
	مشارکت عمودی	سنت مدنی	۳۰/۹۸	۳۶	۸/۹۹	-۱۰/۵۰	۰/۰۰۰	-۵/۰۱
		الگوی فرهنگی	۱۴/۲۷	۱۲	۳/۴۶	۱۶/۸۵	۰/۰۰۰	۲/۲۷
		الگوی جدید	۱۳/۲۰	۱۲	۲/۶۳	۶/۷۰	۰/۰۰۰	۱/۲۰
		کل	۶۰/۹۹	۶۰	۱۲/۵۷	۱/۴۴	۰/۱۵	۰/۹۹
میزان کل مشارکت اجتماعی		۱۴۹/۷۷	۱۵۶	۳۲/۹۳	-۳/۱۲	۰/۰۰۲	-۶/۲۲	

فرضیه شماره ۱- میانگین میزان آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان بالاتر از حد متوسط جامعه است.

جدول شماره ۵ توزیع فراوانی متغیر میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و ابعاد آن را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد میانگین‌های به دست آمده از نظر پاسخگویان، کمتر از میانگین نظری است و در کل میانگین مورد انتظار حقوق شهروندی ۹۹ است که در دیدگاه پاسخگویان این مقدار، برابر ۸۰/۵۳ به دست آمده است و این تفاوت میان رعایت حقوق شهروندی مورد انتظار و آنچه در جامعه وجود دارد، را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای^{۲۸} نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود بین میانگین‌ها با هم زیاد بوده است و از لحاظ آماری معنادار است.

جدول شماره پنج- توزیع فراوانی متغیر میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و ابعاد آن

متغیر	میانگین	آزمون	تفاوت
-------	---------	-------	-------

²⁸ One Sample T-Test

مؤلفه‌ها	تجربی	نظری	انحراف معیار	T	معناداری	میانگین
مدنی	۲۵/۴۷	۳۰	۳/۳۶	-۳/۶۶	۰/۰۰۰	-۴/۵۲
سیاسی	۱۱/۵۷	۱۲	۳/۱۵	-۲/۵۸	۰/۰۱۰	-۰/۴۲۸
اقتصادی اجتماعی	۱۹/۵۱	۳۳	۶/۰۲	-۴۲/۸۴	۰/۰۰۰	-۱۳/۴۸
فرهنگی گروهی	۲۳/۱۰	۲۴	۷/۱۱	-۲/۴۴	۰/۰۱۵	-۱/۶۲
کل	۸۰/۵۳	۹۹	۳۰/۲۴	-۱۰/۴۱	۰/۰۰۰	-۱۸/۴۶

فرضیه ۲- بین میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی و تمایل به مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶ نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بدست آمده بین میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی در بعد حقوق مدنی با تمایل به مشارکت اجتماعی برابر $(I=0/202)$ و با سطح معنی‌داری $(0/001)$ ، بعد حقوق سیاسی با تمایل به مشارکت اجتماعی برابر $(I=0/162)$ و با سطح معنی‌داری $(0/009)$ ، بعد حقوق اقتصادی اجتماعی با تمایل به مشارکت اجتماعی برابر $(I=0/04)$ و با سطح معنی‌داری $(0/46)$ و بعد حقوق فرهنگی گروهی با تمایل به مشارکت اجتماعی برابر $(I=0/50)$ و با سطح معنی‌داری $(0/000)$ ، نشان می‌دهد که بین هر یک از مؤلفه‌های حقوق شهروندی با میزان مشارکت اجتماعی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. در نهایت همبستگی به دست آمده بین دو متغیر آگاهی از حقوق شهروندی در همه ابعاد و میزان مشارکت اجتماعی در همه ابعاد برابر $(I=0/31)$ و با سطح معنی‌داری $(0/000)$ بوده است و این فرضیه را می‌توان تأیید کرد.

جدول شماره ۶- ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی

متغیر مستقل	ابعاد	متغیر وابسته مشارکت اجتماعی	شدت رابطه	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی	حقوق مدنی	تمایل به مشارکت اجتماعی در بعد افقی	۰/۲۵	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
	حقوق سیاسی		۰/۲۱	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
	اقتصادی اجتماعی		۰/۰۴	۰/۴۰	رد	مستقیم
	فرهنگی گروهی		۰/۵۴	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم

مستقیم	تأیید	۰/۰۰۰	۰/۳۷		حقوق شهروندی کل
مستقیم	رد	۰/۱۸	۰/۰۷	تمایل به مشارکت اجتماعی در بعد عمودی	حقوق مدنی
مستقیم	رد	۰/۷۶	۰/۰۱		حقوق سیاسی
مستقیم	رد	۰/۷۷	۰/۰۱		اقتصادی اجتماعی
مستقیم	تأیید	۰/۰۰۰	۰/۲۱۶		فرهنگی گروهی
مستقیم	تأیید	۰/۰۰۰	۰/۱۱		آگاهی از حقوق شهروندی
مستقیم	تأیید	۰/۰۰۱	۰/۲۰۲	تمایل به مشارکت اجتماعی (کل)	حقوق مدنی
مستقیم	تأیید	۰/۰۰۹	۰/۱۶۲		حقوق سیاسی
مستقیم	رد	۰/۴۶	۰/۰۴		اقتصادی اجتماعی
مستقیم	تأیید	۰/۰۰۰	۰/۵۰		فرهنگی گروهی
مستقیم	تأیید	۰/۰۰۰	۰/۳۱	مشارکت اجتماعی (کل)	

آزمون رگرسیون چندگانه

در مطالعه حاضر برای تأثیر متغیر مستقل بر وابسته از شاخص آماری رگرسیون استفاده گردید. به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین - واتسون^{۲۹} استفاده شده است. آماره دوربین واتسون ۱/۷۲۳ است. که نشان می‌دهد جملات خطا مستقل از همدیگر می‌باشند و اثرپذیری از همدیگر ندارند. جدول شماره ۷ شاخص‌های تحلیل رگرسیون چندگانه جهت پیش‌بینی متغیر میزان تمایل به مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول شماره هفت - شاخص‌های آماری تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی متغیر میزان تمایل به مشارکت اجتماعی

نام شاخص	مقدار	نام شاخص	مقدار
مقدار ثابت ^{۳۰}	۱۲۴/۳۹۸	ضریب همبستگی	۰/۳۱۱
دوربین واتسون	۱/۷۲۳	مجدورات ضریب تعیین	۰/۰۹۷
ضریب تولرانس ^{۳۱}	۱/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۹۳
عامل تورم واریانس	۱/۰۰۰	آماره فیشر	۲۳/۸۳

^{۲۹} . Durbin-Watson

^{۳۰} . Constant

^{۳۱} . Tolerance

خطای استاندارد شده ^{۳۲}	۰/۳۳۵	سطح معناداری ^{۳۳}	۰/۰۰۰
----------------------------------	-------	----------------------------	-------

با توجه به این که پیش‌فرض‌های رگرسیون در این شاخص آماری رعایت شده است، می‌توان این آزمون را به کار گرفت. معادله اصلی رگرسیونی مربوط به پیش‌بینی متغیر مشارکت اجتماعی توسط متغیر مستقل میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی است. نتایج حاصل نشان می‌دهد متغیر میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی وارد معادله رگرسیونی شده است، مقدار آزمون^{۳۴} برای این متغیر برابر (۴/۸۸) و ضریب معنی‌داری (۰/۰۰۰) می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۱$ به دست آمد.

جدول شماره هشت- ضرایب رگرسیون، مقدار تی و سطح معنی‌داری مربوط پیش‌بینی متغیر کل مشارکت اجتماعی

متغیر پیش‌بین	متغیرهای	بتا	بنای	ضریب	خطای	آزمون	معناداری
	ملاک	استاندارد	استاندارد	تعیین	استاندارد	تی	
میزان آگاهی از حقوق شهروندی	مشارکت اجتماعی	۰/۳۱۱	۰/۳۱۱	۰/۳۱	۰/۰۶۴	۴/۸۸	۰/۰۰۰

معادله رگرسیون چندمتغیره در پژوهش حاضر:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

میزان تمایل به مشارکت اجتماعی = $۹/۵۷۱ + ۰/۳۱۱$ (میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی) + e_i خطا

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی بر روی مشارکت اجتماعی شهروندان تأثیر معناداری دارد. در این مطالعه، میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی در چهار مؤلفه حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی اجتماعی و حقوق فرهنگی گروهی مورد مطالعه قرار گرفت و اثرات هر یک از مؤلفه‌های آن بر دو بعد کلی مشارکت یعنی مشارکت در بعد افقی و مشارکت عمودی و البته هر یک از ابعاد مشارکت‌ها مانند بعد مذهبی، خیریه‌ای، همیارانه، تفریحی و محله‌ای در بعد مشارکت افقی و همچنین بعد سنت-

³² . Std. Erro

³³ . Significant

³⁴ . T-Test

³⁵ . Coefficient Of Determination

های مدنی و الگوهای فرهنگی و الگوهای جدید از ابعاد مشارکت عمودی مورد بررسی قرار گرفتند.

براساس یافته‌های حاصل از مطالعه، میانگین میزان مشارکت اجتماعی در بعد افقی از نظر پاسخگویان برابر ۸۸/۵۵ است که در حد متوسط جامعه، این مقدار برابر ۹۶ به دست آمده است و این تفاوت میان میزان مشارکت افقی مورد انتظار و آنچه در جامعه وجود دارد، را نشان می‌دهد. میانگین میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی از دیدگاه پاسخگویان در همه ابعاد، پایین‌تر از میانگین مورد انتظار جامعه است. نتایج حاصل نشان می‌دهد میانگین‌های تجربی یا همان میانگین‌های به دست آمده از نظر پاسخگویان، کمتر از میانگین نظری است و در کل میانگین مورد انتظار میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی ۹۹ است که در دیدگاه پاسخگویان این مقدار برابر ۸۰/۵۳ به دست آمده است و این تفاوت میان رعایت حقوق شهروندی مورد انتظار و آنچه در جامعه وجود دارد، را نشان می‌دهد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بعد حقوق مدنی، بعد حقوق سیاسی، بعد اقتصادی اجتماعی و بعد حقوق فرهنگی گروهی با تمایل به مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین دو متغیر آگاهی از میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی در همه ابعاد و میزان مشارکت اجتماعی در همه ابعاد، معنی‌داری وجود دارد و این فرضیه را می‌توان تأیید کرد. نتایج حاصل از معادله رگرسیونی نشان می‌دهد متغیر میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی میزان ۰/۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

نتیجه به دست آمده از این مطالعه با نتایج مطالعات احمدی سفیدان و نصیرزاده که در سال ۱۴۰۰ نشان دادند از میان عوامل تأثیرگذار در مشارکت سیاسی، ساده زیستی، قانون‌گرایی و عدالت‌محوری از همه مهم‌تر بودند؛ همچنین با نتایج مطالعه دسترنج و ملاحی (۱۳۹۸) که بیانگر این است که میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و میزان آگاهی از حقوق شهروندی، رابطه معناداری وجود ندارد؛ همسو می‌باشد.

بررسی نتایج این مطالعه در مقایسه با مطالعات خارج از کشور نشان می‌دهد که نتایج با مطالعه وایو و همکاران (۲۰۱۹) که نشان دادند رسانه‌های خلاق اجتماعی، با مداخله کامل بیان سیاسی پیشرفته آنلاین، مشارکت سیاسی را به‌طور غیر مستقیم پیش‌بینی می‌کنند، همچنین نتایج با مطالعه لودن و همکاران (۲۰۰۹) که نشان دادند بین میزان مشارکت و اخلاق تجارت رابطه وجود دارد؛ گوتیرز و همکارانش (۲۰۰۹)، که نشان دادند ارتباط مستقیم بین کیفیت خدمات و میزان

رضایت‌مندی وجود دارد؛ در حالی که ارتباط میان کیفیت و اعتبار به صورت غیرمستقیم است؛ همسو می‌باشد.

نتایج به دست آمده از این مطالعه بر اساس مبانی نظری پژوهش قابل تبیین و استنباط است. آرو^{۳۶} شاخص‌هایی چون وفاداری، اعتماد؛ اتصال شبکه‌ای، اقتدار فردی، هویت‌سازمانی و هنجارهای اجتماعی را برای مشارکت، به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. هانتینگتون^{۳۷}، رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را بررسی کرده است.

دورکیم معتقد است که هر جا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد، عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم خواهد بود و باعث تشدید تماس‌های آن‌ها و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباط-شان با همدیگر خواهد شد. به عبارت دیگر هر چه اعضای یک جامعه، همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا در حالت دسته جمعی با گروه، بیشتر حفظ می‌کنند. بر اساس نظر دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. لرنر (۱۹۵۲) بر این باور است که جامعه جدید مشارکتی است و فراگر و نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت‌جو است. از دید مارشال در جوامع نوین، شهروندی سه بعد مشخص مدنی، سیاسی و اجتماعی دارد. حقوق مدنی نخستین حقوقی است که در جوامع نوین برقرار شده است. این حقوق، چیزهایی مانند آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه و دسترسی برابر به نظام قانونی را در بر می‌گیرد. حقوق سیاسی پس از حقوق مدنی پدید آمد و شامل حق رأی، حق نامزدی مقامات انتخابی، حق شرکت در احزاب سیاسی و مشارکت به شیوه‌های گوناگون در فرآیند قانون‌گذاری است و بالاخره بعد سوم شهروندی یعنی بعد اجتماعی آن با ظهور «دولت جدید رفاه» پدیدار شده است (کیویستو، ۱۳۸۶: ۹۹).

آلن سیرز و وان هبرت در تحلیل بعد مدنی شهروندی به ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذینفع اشاره می‌کند. بعد سیاسی شهروندی، مربوط به مسائل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است و به حقوق و وظایفی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می‌کند. بعد اجتماعی-اقتصادی شهروندی: به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک

^{۳۶} . Aro

^{۳۷} . Huntington

فضای باز سیاسی اشاره دارد. بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی: به شیوه‌ای از فرایند گسترش تنوع فرهنگی اشاره دارد که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییر پذیری همراه است.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۷۷) «مدیریت مشارکتی شوراهای اسلامی و نظام مدیریت روستایی در ایران»، پژوهش علوم انسانی، شماره ۲: ۱-۱۸.
۲. احمدی سفیدان، حسین و زهرا نصیرزاده (۱۴۰۰) «بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری دوره اول و دوم»، فصل‌نامه علمی پژوهشی انجمن مطالعات سیاسی حوزه، دوره ۸، شماره ۲۹: ۲۱۵-۲۴۰.
۳. ادیبی سده، مهدی و هاکب هارطونیان (۱۳۸۶) «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ارامنه جلفای اصفهان»، سیاست داخلی، دوره اول، شماره ۲: ۶۵-۳۵.
۴. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهر کاشان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۹، شماره ۳۶۵: ۱۷۵-۲۰۶.
۵. اشتریان، کیومرث و محمدرضا امیرزاده (۱۳۹۴) «بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، سیاست، دوره ۴۵، شماره ۴: ۸۲۵-۸۴۱.
۶. انصاری، محمد اسماعیل (۱۳۷۸) «مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی»، مجموعه مقالات طرح ساماندهی فرهنگی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. باستانی، علیرضا و سید محمد جواد رزمی (۱۳۹۳) «رتبه‌بندی غیرمستقیم استان‌های ایران برحسب سرمایه اجتماعی»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۵۵: ۴۵-۷۷.
۸. تقوایی، مسعود؛ بابانسیب، رسول و چمران موسوی (۱۳۸۹) «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری»، فصل‌نامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره ۲: ۱۹-۳۶.

۹. جهانی دولت آبادی، اسماعیل و چنور محمدی (۱۴۰۱) «بررسی وضعیت پایداری اجتماعی در شهر کرمانشاه»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهر*، دوره ۴۵، شماره ۱۲: ۹۲-۵۵.
۱۰. حسینی، سید جواد (۱۳۹۸) «حقوق شهروندی و ارتقای حکمرانی مطلوب شهری»، *راهبرد سیاسی*، شماره ۹: ۶۲-۴۳.
۱۱. خاکپور، براتعلی؛ محمدی، چنور؛ داوری، سیده الهام و مجید اکبری (۱۳۹۸) «بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های کرمانشاه با استفاده از تکنیک ادغام»، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۵۶: ۷۳-۹۰.
۱۲. خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۴) «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا*: ۲۹۵-۲۷۵.
۱۳. دسترنج، معصومه و مهدی ملاحی (۱۳۹۸) «بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس»، *توسعه اجتماعی*، دوره ۱۳، شماره ۳: ۱۱۷-۱۴۴.
۱۴. جهانی دولت آباد، اسماعیل و چنور محمدی (۱۴۰۱) «بررسی وضعیت پایداری اجتماعی در شهر کرمانشاه»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره ۱۲، شماره ۴۵: ۹۲-۵۵.
۱۵. رضادوست، کریم (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه شهری شهر ایلام»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۰، شماره ۳: ۱۱۰-۹۷.
۱۶. رضاعلی، محسن (۱۳۸۹) «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه‌کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی»، *مطالعات سیاسی*، دوره ۳، شماره ۱۰: ۱۱۷-۱۴۴.
۱۷. سبکتکین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ سیاطیان، سیدمحمد و احمد جعفری (۱۳۹۵) «رضایت‌مندی و مشارکت سیاسی-اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج)»، *فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷ (۳): ۱۱۶-۹۷.
۱۸. شعبانی، محمدرضا (۱۳۸۰) «نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران»، رساله دکتری، رشته مدیریت، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
۱۹. شیان، ملیحه (۱۳۸۱) «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، شماره ۳: ۸۰-۶۰.
۲۰. قانع، علی؛ فراقی، ناصر و رمضان حسینی سعیدآوی (۱۳۹۸) «بررسی مؤلفه‌های گسترش حقوق شهروندی از نگاه دانشجویان دانشکده سما تهران»، *آفاق علوم انسانی*، شماره ۲۹: ۷۹-۹۴.

۲۱. قشقایی، کیوان (۱۳۹۹) «بررسی توسعه اجتماعی استان کرمانشاه از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵»، فصل‌نامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، دوره ۱، شماره ۱: ۶۲-۸۴.
۲۲. کریمی، جلیل؛ احمدی، وکیل و سیاوش قلی‌پور (۱۳۹۹) «تحلیل جامعه‌شناختی از سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه»، دوفصل‌نامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر، دوره ۹، شماره ۱۶: ۶۱-۹۱.
۲۳. کیویستو، پتر (۱۳۸۶) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۲۴. گنجی، محمد (۱۳۸۲) «بررسی علل عدم مشارکت دانشجویان در تعاونی‌های دانشجویی (مطالعه موردی: دانشجویان گرایش تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد)»، مجله تعاون دوره جدید، شماره ۱۴۵: ۶۵-۵۹.
۲۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹) «مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶: ۱۹۳-۲۲۷.
۲۶. محمدزاده، ناهید (۱۳۹۶) «زنان و حقوق شهروندی»، فصل‌نامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، دوره ۳، شماره ۱۰: ۷۴-۱۰۸.
۲۷. محمدی فر، نجات و حسین مسعودنیا (۱۳۹۳) «بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: بررسی تطبیقی دو شهر اصفهان و کرمانشاه)»، فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره ۱، شماره ۱۹: ۲۱۳-۲۴۸.
۲۸. مقنی‌زاده، محمدحسن (۱۳۹۵) «سازمان‌های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی»، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی تهران، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۲۹. ممتاز، فریده (۱۳۸۳) «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱: ۱۴۹-۱۶۰.
۳۰. میرعبدالعظیم زاده میرمبینی، زهرا؛ زینب؛ میرعبدالعظیم زاده میرمبینی؛ سعید اسماعیلی و فرشته حسینی (۱۳۹۵) «حقوق شهروندی»، دومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم، تهران: کنسرسیوم آناپافت شهر انجمن معماری و شهرسازی استان البرز، جامعه مهندسان شهرساز، مؤسسه بناشهر پایدار- مؤسسه فرهنگی-هنری سلوی نصر، https://www.civilica.com/Paper-IACUT02-IACUT02_135.html

۳۱. نجفی، محمدجواد؛ معصومی راد، رضا و مظفرالدین شهبازی (۱۳۹۹) «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه»، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۳: ۱۵۷۴-۱۵۶۰.
۳۲. نگین‌تاجی، ریحانه و حمید کشاورز (۱۳۹۴) «بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهرستان نورآباد ممسنی»، *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی*.
۳۳. نیک، فرامرز و فریبرز احمدی دهکاء (۱۳۹۸) «بررسی رفتارهای انتخاباتی دوره‌ی دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری استان البرز»، *نخستین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، تهران*.
۳۴. هاشمی، سیدضیا؛ فولادیان، مجید و زینب فاطمی امین (۱۳۸۸) «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، *پژوهش‌نامه‌ی علوم سیاسی*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۱۷): ۱۹۹-۲۲۶.

35. Becker, H. S.(1960) «Notes on the Concept of Commitment», **American Journal of Sociology**, No. 66: 32-42.

36. Chen Gan, Gonesh, Ashvin and Jan Melissen.(2017) «Social media use, political interest and participation among university students in China», **Discourse and Society**, Vol.15, No. 2: 133 -165.

37. Wayo, B. Dreyfus, H. and Rabinow, P. (2019) **Social media and political participation in youth: The moderating and mediating role of online political expression, new cross**, London. History of European Ideas.

38. Ekici, T., & Koydemir, S. (2014) «Social capital, government and democracy satisfaction, and happiness in Turkey: a comparison of surveys in 1999 and 2008», **Social Indicators Research**, Vol. 118, No. 3: 1031-1053.

39. Gaiser, W. & Rijke, J. D.(2007) **Political participation of youth. Young Germans in the European Context**. Published online: 4 December 2007.

40. Grasso, M. T., Yoxon, B., Karampampas, S., & Temple, L. (2017) «Relative deprivation and inequalities in social and political action», **Acta Politica**, 54(66) : 1-32.

41. Hooghe, M., & Kern, A. (2017) «Social Capital and the Development of Political Support in Europe», **In Myth and Reality of the Legitimacy Crisis. Explaining Trends and Cross-National**

Differences in Established Democracies (pp. 59-75). Oxford University Press.

42. Huynhcntri (1982) **Participate in Development**, Paris: UNESco.

43. Yamamura, E. (2009) «Formal and informal deterrents of crime in Japan: Roles of police and social capital revisited», **The Journal of Socio-Economics**, Vol. 38: 611–621.

44. Guth & J. Green & L. Kellstedt & C. Smidt (2002) «**Religion and Political Participation**», Prepared for Delivery at the 2002 Annual Meeting of the American Political Science Association.